

خط، کلافی بر تن سنگ

<div>مغاک، نام مجموعه آثار افروز هوشنگ است که با تکنیک رنگ و روغن و ترکیب این مواد روی بوم اجرا شده است.</div>	<div>ملیحه آدم‌زاده منتقد هنر</div>
--	-------------------------------------

هوشنگ در این مجموعه، آثار جسورانه‌ای را به نمایش می‌گذارد که مرز مبهم پیوند و گسست میان نقاشی و خط را به چالش می‌کشند. آثار او، زاده نگاه فلسفی اوست که از ادراک و ارتباط ظریف هنرمندان‌اش با هستی و اجزای آن نشأت گرفته است. افروز هوشنگ سال ۱۳۹۲ در نمایشگاهی با عنوان «مهر هستی» در گالری «آرته»، آثاری را به نمایش گذاشت که با زردون غبار روزمرگی، جهانی به‌غایت دور، به‌غایت نزدیک را کشف می‌کردند؛ عکاسی از موجودیت ذراتی در بستر محدود و محصور زندگی که از زاویه نگاه هنرمند، همچون یک کل به‌هم‌پیوسته عمل می‌کنند تا جهانی بیافرینند که از حیطه تجربه بشر خارج است. در مجموعه مغاک که از نظر نگارنده ادامه همان دیدگاه هنرمند است، او درصدد است به فضای ذرات، مفهوم دهد و از این طریق، آنها را به ورطه ادراک بکشد.

اکنون در نخستین نگاه به مجموعه مغاک، با عناصری عینی، ملموس و آشنا، مانند سنگ‌ها و دره‌ها روبه‌رو هستیم. سنگ‌ها، با حرکتی مواج و لغزان و روان به سوی بالا و پایین در دل مغاک تیره جریان دارند، اما این تمام ماجرا نیست؛ در آثار هوشنگ، سنگ‌ها، دره‌ها و صورت کلی فضا و خطوط با ظاهری ساده، اما درهم پیچیده، چندلایه و نمادین، راوی قصه دیگری هستند. شکل‌ها نمادی هستند که در هیبت سنگ جان گرفته‌اند تا معنای حاصل از تجربه زیستی و نگاه هنرمند به جهان پیرامونش را روایت کنند.

بر پایه گونه‌ای از افسانه‌ها، انسان از نژاد سنگ است؛ سنگ رنگ و بوی هستی انسان را در خود حمل می‌کند. سنگ و انسان در تعاملی پایان‌ناپذیر، سیال و مضاعف در حرکتند تا هستی خود را باز یابند. سنگ از عناصر طبیعت است که با وجود شکنسته و خردشدن همچنان هویت شکل و هستی آن پابرجاست، از این‌روست که در مجموعه مغاک، سنگ ناخودآگاه یا هوشمندانه، در میانه دره‌ها حضور دارد و از ریزترین تا بزرگ‌ترین اجزایش در پیوندی گسست‌ناپذیر در جزه و کلیت هستی اثر خود نمایمی‌کند.

از آنجا که در آثار هوشنگ، سنگ جامه نوشتار بر تن کرده، گویی به هستی‌انسان تنیده شده‌است، در آثار هوشنگ، سیطره عناصر طبیعت، مانند سنگ‌ها و دره‌ها، کاملاً مشخص است، اما فضای کلی اثر ناشنا، غریب و لایتناهی است و گویی انگارای از یک فضای سوررئال را به ذهن بیننده متبادر می‌کند؛ فضایی که ابدی و ازلی است. هوشنگ با به‌کارگیری واژه در کالبد سنگ، آن هم با به‌کارگیری خط، مشخصاً برسم الخط فارسی و واژه «هست»، به نوعی آشنایی‌زدایی می‌کند که این امر موجب شده آثارش ملموس و قابل خوانش باشند. نوشتار در آثار افروز هوشنگ همچون کلافی است که جیم سنگ را در بر گرفته است، گویی با هستی سنگ عجین شده و «هست» بودن سنگ را به آن تحمیل می‌کند.

جایگاه نوشتار در آثار افروز هوشنگ، نسبت به پیشینه نقاشی-خط در دهه‌های اخیر ایران، کاملاً متفاوت است. هوشنگ در مجموعه مغاک برخلاف سنت نقاشی-خط، به دنبال نمود تزئینی، عرفانی و شاعرانه خط در بستر بافت و رنگ یا به‌کارگیری خط در خدمت فرم، شکل، حرکت و ریتم نیست، بلکه خواست او رسیدن به مفهوم، معنا و محتوای واژه، در تعامل با فرم کلی اثر است. آنچه مجموعه مغاک را برجسته و قابل تأمل می‌کند، حفظ هیبت واژه و تأکید بر آن است، نه این‌که به سیاق معمول نقاشی-خط، خوانا بودن کلمه و نوشتار را برهم بزند. حال باید دید روایت تازه هوشنگ که از ۱۳ بهمن ماه در گالری مزده به تماشا در می‌آید چه گفتمانی را پی‌ریزی می‌کند.



معارفه دبیر جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی

مراسم معارفه سید سعید رضا عاملی، دبیر جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی برگزار می‌شود. به گزارش جام جم، در این مراسم که روز سه‌شنبه ۲۵ دی‌ماه در سالن اندیشه حوزه هنری برپا خواهد شد، مخبرذرفولی، دبیر سابق شورا تودیع و عاملی، دبیر جدید با حضور مسوولان ارشد فرهنگی معارفه خواهد شد.



عکس:

جام جم



کیخسرو «از دوار چرخ» را رونمایی می‌کند

آلبوم صوتی و تصویری موسیقی «از دوار چرخ» که شامل بداهه‌نوازی‌های کیخسرو پورناظری است، فردا ساعت ۱۰ در فرهنگسرای نیاوران رونمایی می‌شود. مهر این خبر را منتشر کرده و به نقل از کیخسرو نوشته است: اگر چیزی باید برای خود و این مرین ساز دیرسال بنویسم، نخست شادی همراه با مباحاتی است که دست روزگار و سرنوشت آن را به جمع سازهای خانواده ما آورد.



چرا مثل قمی‌ها و گیلانی‌ها نباشیم؟

گزارش جام جم از تازه‌ترین یافته‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد رفتار فرهنگی خانوار در ایران همچنان در وضعیت هشدار است

۱۵ دقیقه **ما واقعا روزی اینقدر کتاب می‌خوانیم؟** ماجراها دارد این محاسبه سرانه مطالعه. لابد شما هم بارها حاشیه‌های مرتبط با آن را شنیده‌اید. این‌که دقیقا چه نوع مطالعه‌ای در این آماری‌ها مدنظر قرار داده می‌شود یا این‌که اساسا قرانت فلان متن مطالعه محسوب می‌شود یا نه. نمی‌دانیم شما یادتان هست چند سال پیش گفته شد حتی وقتی صبح‌ها به دستشویی می‌روید، خمیردندان را برمی‌دارید و روی مسواک می‌مالید و کارتان را شروع می‌کنید. اگر در این میان اسم برند خمیردندان را خوانده باشید هم جزو مصادیق مطالعه روزانه شما محسوب می‌شود یا حتی خواندن نوشته‌های تابلوهای راهنمایی و رانندگی در خیابان. البته هیچ‌گاه برقراری چنین وضعی بر آماری‌گیری‌های مرتبط با سرانه مطالعه تأیید نشد، اما خب کار خودش را کرد و برای همیشه ما به آمار مطالعه اعلامی ایرانی‌ها مشكوك شدیم، حتی اگر بسیار ناچیز و به همین فراخور باورکردنی باشد. بر اساس تازه‌ترین آمار اعلام‌شده در گزارش مرکز آمار ایران که مرتبط با سال ۱۳۹۶ است، سرانه يك ماه مطالعه ایرانیان در این سال، هفت ساعت و ۴۱ دقیقه بوده است؛ یعنی روزانه حدودا ۱۵ دقیقه.

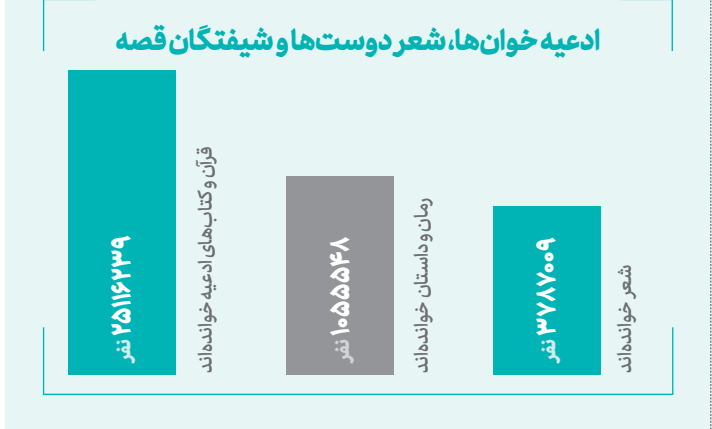
۴۱/۸ درصد **سینه‌سپر کرده‌ها و شرمندehا** در فرآیند رسیدن به این آمار، مرکز آمار ایران از ۵۲ میلیون و ۸۷۱ هزار و ۷۱۶ نفر پرسیده در يك سال اخیر یعنی از مهر ۱۳۹۵ تا مهر ۱۳۹۶ کتاب غیردرسی خوانده‌اند یا نه. ۳۰ میلیون و ۷۸۶ هزار و ۷۲۶ نفر بادی در غیغب انداخته، سینه سپر کرده و گفته‌اند؛ بله! یعنی ۵۸/۲ درصد از کل جامعه هدف. آيآ آن ۲۲ میلیون و ۸۴ هزار و ۹۹۰ نفر روی‌شان شده است صاف نگاه‌کنند در چشم‌های پرسش‌کننده و بگویند در يك سال اخیر حتی يك كتاب غیردرسی نخوانده‌اند؟ بله، ظاهرا روی‌شان شده است! آنها ۴۱/۸ درصد از این آمارند.

۲۵ ساعت و ۷ دقیقه **جغرافیای مذهبی کتابخوانی در ایران** شما در کدام استان زندگی می‌کنید؟ فکر می‌کنید وضع سرانه مطالعه در جایی که زندگی می‌کنید چقدر است؟ جالب است بدانید قمی‌ها در سرانه مطالعه اول‌اند با ۲۰ ساعت و هفت دقیقه یعنی چیزی حدود ۱۳ ساعت پیش از میانگین همه استان‌ها که هفت ساعت و ۴۱ دقیقه در ماه بوده است. استان دوم، حدود ده ساعت از قم عقب است؛ خراسان رضوی با ده ساعت و ۳۳ دقیقه. تا اینجا مشخص است که دو استان با بافت فرهنگی و مذهبی در صدره‌شدند و از این رو عجیب نیست که قرآن و کتاب‌های ادعیه نیز در صدر موضوعات مورد علاقه مردم بوده باشند [در این باره در بخش مربوط به خودش نوشته ایم]. تازه استان سوم نیز که یزد است با ده ساعت و ۱۹ دقیقه وضع مشابهی دارد.

استان ایلام هم با دو ساعت و ۴۸ دقیقه در انتهای جدول است. جالب است بدانید حتی با حذف قرآن و کتاب‌های ادعیه در آمارها باز هم استان قم در صدر است با ۱۱ ساعت و ۴۶ دقیقه.

۳۷۸۷۰۰۹ نفر **دیگر ملت شعر نیستیم؟** معروف است که می‌گویند دیوان حافظ در همه خانه‌های ایرانیان هست، اما اگر به آمار موضوعاتی که ایرانیان در يك سال مطالعه کرده‌اند، که هر يك می‌توانسته‌اند يك تا چهار موضوع را در این آمارگیری عنوان کنند، توجه کنیم درمی‌یابیم که تنها سه میلیون و ۷۸۷ هزار و ۹ نفر شعر خوانده‌اند، یعنی فقط ۱۳/۳ درصد از مطالعه‌کنندگان کتاب‌های غیردرسی. این یعنی، بیشتر ملت در طول يك سال حتی يك بار دیوان خواجه را از طاقچه پایین نیاورده‌اند؛ حتی نه در شب بِلدا و نه حتی در عید نوروز. این را هم بگوییم که قرآن و کتاب‌های ادعیه در صدرند با ۲۵ میلیون و ۱۱۶ هزار و ۲۳۹ نفری که آنها را مطالعه کرده‌اند. و جالب‌تر این‌که ایرانیان حتی رمان و ادبیات داستانی را هم بیش از شعر می‌خوانند؛ يك میلیون و ۵۵ هزار و ۵۴۸ نفر یعنی ۳۳ درصد.

حالا حق می‌دهید کفری شویم وقتی همه می‌گویند شعر در خون ما ایرانیان است؟



حالا مرکز آمار ایران، گزارشی ۶۰صفحه‌ای منتشر کرده و طی آن فرهنگی رفتاری خانوار ایرانی را بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از آماری‌گیری گسترده پیش روی مانده‌است. این گزارش، هر آنچه را بتوان ذیل فرهنگ رفتاری قرار داد با هدف قراردادن ۴۰هزار خانوار و البته افراد پاسود ۱۵ساله و بالاتر و از آن مد نظر قرار داده‌است؛ از سینما و تئاتر و کنسرت رفتن و کتاب و روزنامه خواندن تا ورزش کردن و وقت‌گذراندن در شبکه‌های اجتماعی. عجالتا در گزارشی که بر اساس این اعلام جدید نوشته‌ایم، به فراخور موضوعات مورد بررسی در صفحه ادبیات و هنر روزنامه جام جم، مقولات مرتبط با ادبیات و هنر را جدا کرده و به بررسی‌شان نشستیم.ام. اما این آمارها چه نکاتی فراتر از اعداد و ارقام دارند و با ما از چه می‌گویند؟



شمارانمی‌دانیم، اما ماه‌رو وقت می‌شنویم اینجا و آنجا می‌گویند ایرانیان رفتار فرهنگی فلان و بهمانی دارند، کفری می‌شویم. چرا؟ چون معتقدیم چنین گزاره‌های قاطعانه‌ای تنها و تنها باید مبتنی بر آمارهای مستند صادر شوند و نه بر اساس باورهای تجربی و شخصی. حالا اگر آمارها هم همان را بگویند که ما بر اساس تجربه و باورهای انفرادی یا جمعی‌مان می‌گوییم که بهتر، اما وقتی می‌بینیم آمارها وضعی خوشبینانه‌تر یا بدبینانه‌تر از آنچه را ما بدون توجه به اعداد و ارقام می‌گوییم ساخته‌اند، باید به خود بیاییم و یاد بگیریم تحلیل‌های مان را با نتایج به‌دست‌آمده از آمار مستدل کنیم.



۲ ساعت و ۲۹ دقیقه **مفت باشه...** در رابطه با موسیقی نیز از ۴۰ میلیون و ۸۸۶ هزار و ۵۷۹ نفر پرسش شده است. سوال بسیار هم کلی است، از آنها که بخواهند درصد و عدد را بالا ببرند، «شما در يك سال اخیر موسیقی گوش کرده‌اید؟ حالا یا در رادیو و تلویزیون یا از طریق تجهیزات صوتی و تصویری، تبلت، لپ‌تاپ، رایانه و تلفن همراه». جالب است بدانید ۹ میلیون و ۴۵۴ هزار و ۴۶۷ نفر گفته‌اند نه! یعنی ۳۲/۲ درصد. ۴۰ میلیون و ۸۸۶ هزار و ۵۷۹ نفر هم گفته‌اند موسیقی گوش داده‌اند. به نظر می‌رسد آنها برای موسیقی چندان خرجی نمی‌کنند؛ این را آمار دانلودهای غیر قانونی به ما می‌گوید. بیش از ۲۹ میلیون نفر یعنی ۷۱/۱ درصد به موسیقی پاپ، بیش از ۲۰ میلیون نفر یعنی ۴۹/۲ درصد به موسیقی سنتی، بیش از ۱۵ میلیون نفر یعنی ۳۶/۸ درصد به موسیقی محلی، حدود پنج میلیون نفر یعنی ۱۳/۲ درصد به موسیقی رپ یا راک ایرانی، بیش از سه میلیون و ۷۰۰ هزار نفر به موسیقی کلاسیک غربی و حدود

